

فصلنامه ادبیات داستانی، دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه
سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۲ هـ.ش. / ۲۰۱۳ م. / صص ۵۵-۷۶

سرچشمه حکایات عبید زاکانی در رساله دلگشا^۱

وحید سبزیان پور^۲

دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی

حدیث دارابی^۳

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی

چکیده:

رساله دلگشا، یکی از آثار ارزشمند عبید زاکانی در زمینه طنز است، که از دو بخش حکایات عربی و فارسی تشکیل شده است. بسیاری از افراد و صاحب نظران عبید را مبتکر حکایات طنزآمیز می دانند؛ در حالی که با مطالعه و بررسی حکایات عربی این اثر، تأثیرپذیری او از منابع عربی به خوبی نمایان می شود. با بررسی های انجام شده در این پژوهش، نشان داده ایم که عبید نه تنها این حکایت ها را ابداع نکرده، بلکه به شدت از منابع عربی پیش از خود متأثر شده است؛ اما باید اذعان داشت که او فقط به رونویسی از منابع عربی نپرداخته، بلکه در تعداد فراوانی از حکایت ها، عبارت ها را با حفظ معنا و مضمون تغییر داده و الفاظ متفاوتی را برای القای معانی به کار برده است. از نکات دیگری که در این مقاله به آن دست یافته ایم، تأثیرگذاری عبید بر کتاب روض الأخیار المنتخب من ربيع الأبرار اماسی است؛ به گونه ای که بیست و پنج حکایت عبید که فاقد منبع عربی بودند، به صورت کاملاً مشابه در این کتاب دیده شده است.

کلید واژه ها: عبید زاکانی، رساله دلگشا، منابع عربی، اماسی، روض الأخیار المنتخب من ربيع الأبرار.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۰

۲. wsabzianpoor@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. hadisdarabi67@yahoo.com

۱- عید زاکانی:

خواجه نظام‌الدین (مجدالدین) عید زاکانی قزوینی متخلص به «عید» شاعر و نویسنده مشهور قرن هشتم هجری است. علت اشتهار او به «زاکانی»، انتساب اوست به خاندان «زاکانیان» که اصلاً شاخه‌ای از عرب بنی خفاجه هستند که بعد از مهاجرت به ایران به حدود قزوین رفتند و در آن نواحی سکونت گزیدند. از آغاز زندگی عید اطلاعی در دست نیست؛ ولی از آنجا که وی بنابر تصریح حمدالله مستوفی از شعبه ارباب صدور از خاندان زاکانیان بوده است، پس طبعاً از اوان طفولیت به نحوی تربیت یافت که بتواند در زمره این گروه در آید؛ یعنی مسلماً با خط و ادب و آداب و فنون دبیری و علوم و اطلاعات عمومی که در تمدن اسلامی رایج بوده، آشنا شده و آنها را با هنر شاعری و نویسندگی همراه داشته است. مستوفی می‌گوید: «از اوان جوانی به مطالعه کتب و سخن علما و حکما اهتمام داشت و از آن پس نیز از مطالعه آثار حکمای قدیم و متأخر بازمی‌ایستاد. از اشعار و آثار او نیز مراتب اطلاعش از علوم زمان و از زبان و ادب عربی آشکار است.» (صفا، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۶۳ و ۹۶۵)

آثار عید زاکانی را در مقدمه کلیات او و نیز در کتب تاریخ ادبیات نام برده‌اند. برای آگاهی بیشتر در مورد عید و آثار او نک: (صفا، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۶۳-۹۸۵؛ محبوب، ۱۹۹۹: vi-lvii؛ اتابکی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱؛ برون، ۱۳۳۹: ۳۱۲-۳۴۰؛ حلبی، ۱۳۸۴: ۹-۱۷؛ یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۸۷-۳۱۲)

۲. پیشینه تحقیق:

امیدسالار (۱۳۶۶: ۲۲۹) در مقاله خود با عنوان «ملاحظات درباره لطائف عید زاکانی در رساله دلگشا»، معتقد است بسیاری از آنچه در رساله دلگشا وجود دارد، ابتکار عید نیست بلکه قسمتی از فرهنگ سنتی زمان اوست. او برای اثبات ادعای خود، مأخذ سه حکایت عربی و هفت حکایت فارسی رساله دلگشا را در منابع عربی نشان داده است. همچنین ریشه دو حکایت دیگر را در فرهنگ‌های مختلف مردم جهان نشان داده است. (همان: ۲۴۱) حلبی (۱۳۸۴: ۱۰۷) حکایات عربی رساله دلگشا را نود و سه داستان دانسته، در کتاب *زاکانی‌نامه* به منبع چهار حکایت عربی اشاره کرده است. حلبی اظهار داشته است که منبع پانزده حکایت را پیدا نکرده است و منبع بقیه حکایات را در چاپ متن رساله دلگشا ذکر خواهد کرد؛ هرچند تاکنون چنین کتابی به چاپ نرسیده است. ایشان در کتاب دیگر خود، به نام *خواندنی‌های ادب فارسی* به تعداد دیگری از منابع این حکایات اشاره کرده، که در ضمن این مقاله به آنها نیز اشاره شده است. لازم به ذکر است، محبوب (۱۹۹۹: lvi) در پاورقی کلیات عید، اظهار کرده

است که اتابکی در کتاب *کلیات دیوان عید*، منبع حکایات را در ادب عربی به دست آورده و به آنها اشاره کرده است؛ این مسئله جای تأمل دارد؛ زیرا اتابکی منابع تعداد محدودی از حکایات را از کتاب *خواندنی‌های ادب فارسی*، تألیف حلبی نقل کرده است. نک: (اتابکی، ۱۳۸۴: ۳۹۱) از آنجا که تاکنون پژوهشی جامع در مورد منابع عربی بخش اول حکایت‌های *رساله دلگشا*، یعنی حکایات عربی عید صورت نگرفته است، نگارندگان این مقاله از تعداد هشتاد و چهار حکایتی که محبوب نقل کرده است، منبع شصت و یک حکایت و از یکصد و شانزده حکایت اتابکی، منبع نود و سه حکایت را در منابع عربی پیدا کرده‌اند. از این تعداد حکایت که در منابع عربی به دست آمده است، سی و نه حکایت در میان دو منبع مشترک هستند که با ذکر نشانی جداگانه در مقابل حکایت مشخص شده‌اند.

منبع ما در این پژوهش، *کلیات عید زاکانی* به اهتمام محمدجعفر محبوب چاپ ۱۹۹۹ و *کلیات عید*، تصحیح پرویز اتابکی، از انتشارات زوار، چاپ ۱۳۸۴ است. همچنین برای حفظ حرمت قلم، از ذکر حکایات به صورت کامل خودداری کرده و تنها به ذکر چند واژه آن، بسنده کرده‌ایم و برای اجتناب از تکرار، نشانی حکایات محبوب را با علامت اختصاری (م.) و اتابکی را به صورت (ا.) نشان داده‌ایم. در مقابل شماره صفحات، با علامت «ش» به شماره حکایت در کتاب اشاره کرده‌ایم. لازم به یادآوری است که منابع حکایات براساس تقدم تاریخی مرتب شده‌اند.

۳. رساله دلگشا:

مفصل‌ترین و بهترین اثر منشور عید، *رساله دلگشا* است و وی آن را از حیث اهمیت در ردیف *رساله اخلاق الأشراف* دانسته است. عید این کتاب را به دو قسمت عربی و فارسی تقسیم کرده است. این دو قسمت متضمن تعداد زیادی حکایات کوتاه است که عید در آنها شوخ طبعی و بذله‌گویی ادیبانه خود را با بعضی نکات انتقادی همراه کرده است. بعضی از این حکایات، ابتکاری و برخی دیگر نکات تاریخی است و تعدادی نیز لطیفه‌هایی است که یا از رجال معروف قرن هفتم و هشتم حکایت شده و یا به آنها نسبت یافته است.

در پاره‌ای از این حکایات، بذله‌گویی به انتقادهای تلخ و گله‌آمیزی بدل شده است که از نابسامانی اوضاع زمان حکایت می‌کند (صفا، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳). همچنین یوسفی (۱۳۸۶: ۳۰۴) معتقد است که عید در *رساله دلگشا*، نقائص و عیوب و عادات ناپسند مردم را از طبقات گوناگون و در زمینه‌های مختلف، مطرح کرده است.

داستان‌های این کتاب، اغلب به صورت امثال سائره در میان فارسی‌زبانان و ملت‌های دیگری که نفوذ فرهنگ ایران در آنها باقی مانده است، وجود دارد؛ البته بسیاری از این حکایات به لطیفه‌گویی ملّا نصرالدین نسبت داده شده است؛ اما آنچه از قلم عبید جاری شده است و علی‌الخصوص شیرینی بیان و اعجازی که در نوشتن آن صورت گرفته است، آن را از تمام انواع دیگر خود ممتاز می‌کند (وامقی، ۱۳۷۵: ۲۵۶). همچنین این کتاب، نمونه بارز فصاحت است و ایجاز و شیوه سهل و ممتنع انشای عبید در این رساله بسیار گرم و زنده و پرخون است و یکی از علل این مسئله، سود جستن او از زبان باطراوت عامه مردم است (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۱۱).

در مورد تعداد حکایات فارسی و عربی رساله دلگشا اختلاف نظر وجود دارد. محجوب (۱۹۹۹: xxix) تعداد حکایات‌های عربی و فارسی را به ترتیب هشتاد و چهار و دویست و چهل و هفت لطیفه؛ اتابکی (۱۳۸۴: ۳۹۱-۴۹۰) یکصد و شانزده و دویست و پنجاه و حلبی (۱۳۸۴: ۱۰۷) نود و سه و دویست و شصت و نه حکایت دانسته‌اند.

۳-۱. تأثیرپذیری عبید از منابع عربی در رساله دلگشا:

امیدسالار معتقد است: «تقریباً هیچ یک از لطائف عبید نیست که عیناً و یا روایتی از آن، قرن‌ها قبل از این نویسنده در آثار ادبای متقدم عرب وارد نشده باشد. در واقع خود عبید در مقدمه رساله دلگشا به صراحت می‌نویسد: «بعض نکت و اشارات و حکایات که بر خاطر وارد است، در قلم آورد، مشتمل بر دو باب است یکی عربی و یکی فارسی.» کریستین سن هم این نکته را حدس زده و می‌نویسد که لطائف عربی عبید، احتمالاً براساس منابع، کتبی است؛ در حالی که لطائف فارسی وی از داستان‌هایی است که در زمان زندگی‌اش در افواه رایج بوده است.» (امیدسالار، ۱۳۶۶: ۲۲۹)

در این پژوهش، تأثیرپذیری عبید از منابع قبل از خود را در سه دسته تقسیم‌بندی کرده‌ایم؛ برای نمونه به موارد زیر اشاره می‌کنیم و بقیه موارد در بخش اصلی مقاله ذکر خواهد شد:

۱. حکایاتی که کاملاً مشابه با منابع عربی است:

- قال الرشید لبهلول: من أحبّ الناس إليك؟ قال من أشبع بطني، قال: فأنا أشبعك فهل تحبني؟ قال الحب بالنسيئة لا يكون. (م: ۲۶۳؛ ۶۵).

منبع عربی: «قال الرشید ليهلول: من أحبّ الناس إليك؟ قال من أشبع بطنی، قال: فأنا أشبعك فهل تحبني؟ قال الحبّ بالنسيئة لا يكون.» (آبی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۸۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۷۶۹؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۳۹)

۲. حکایاتی که دارای مضامین کاملاً مشابه هستند و اختلاف آنها با منابع عربی تنها در یک واژه است:

- وسرق خرج آخر وفيه ثيابه، فقيل له: وجب أن تقرأ سورة يس وتتعوذ بها، فقال: كان جامع القرآن كله في الخرج. (م.: ۲۶۰؛ (۱: ۴۰۷؛ ش ۱۱۴).

منبع عربی: «وسرق خرج آخر وفيه ثيابه وأسبابه، فقيل له: وجب أن تقرأ سورة يس وتتعوذ بها، فقال: كان جامع القرآن كله في الخرج.»

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۱۸۲؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۶۰). اختلاف حکایت عید و منبع عربی در واژه اسباب است.

۳. حکایاتی که دارای مضامین مشترک هستند؛ ولی در بعضی واژه‌ها مختلفند:

- قيل المزبد نائم في المسجد وإلى جنبه رجل يصلي ويقول في دعائه يا ربّ أنا أصلي وهذا نائم. فقال المزبد يا هذا اشفع لنفسك ولا تعمز بنا. (م.: ۲۶۳؛ ش ۵۶)

منبع عربی: «ونام مزبد مرة في المسجد فدخل رجل يصلي، فلما فرغ قال: يا ربّ أنا أصلي وهذا نائم! فقال: يا ابن أمّ سل أنت حاجتك ولا تحرّشه علينا.»

آبی (۱۴۲۴، ج ۳: ۱۶۱) و ابن حمدون (۱۴۱۷، ج ۹: ۴۳۸) این حکایت را با اندک تفاوتی نقل کرده‌اند.

۴. حکایات کاملاً مشابه با منابع عربی (نسخه محجوب):

۱-۴. سئل عن صوفى عن أشعر الناس... (م.: ۲۵۹؛ ش ۹)

(ثعالبي، ۱۴۲۱: ۵۸)؛ اماسی (۱۴۲۳: ۲۸۳) این حکایت را در مورد پرسش از یک طفیلی نقل کرده است.

۲-۴. قال كسرى أنوشروان التّبييد... (م.: ۲۵۹؛ ش ۱۸)

(ثعالبي، ۱۴۰۱: ۲۰۳؛ همان، بی تا، ه: ۶۸۱؛ همان، ۱۳۰۹: ۹۱)

۴-۳. قال أبونواس: مائدة بلا بقل... (م.: ۲۶۰؛ ش ۳۰)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۷۰۸؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۷۵)

۴-۴. قرأ رجل بحضرة الصاحب سورة العاديات... (م.: ۲۶۱؛ ش ۳۴)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۷۸)

۴-۵. قال الرشيد ليهلول: من أحب الناس... (م.: ۲۶۳؛ ش ۶۵)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۸۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۷۶۹؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۳۹؛ وطواط،

۱۴۲۹: ۱۶۵؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۰۴)^(۱)

۴-۱. حکایات کاملاً مشابه با منابع عربی (نسخه اتابکی):

۴-۱-۱. قالت عجوز لزوجها: أما تستحيي... (ا.: ۳۹۳؛ ش ۱۶)

(ابوحيان توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۳۴؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۵۳؛ ابشیهی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۷۰؛ اماسی،

۱۴۲۳: ۱۹۵)^(۲).

حلی (۱۳۸۶: ۱۵۴) منبع حکایت را محاضرات الأدباء راغب اصفهانی دانسته است.

۴-۱-۲. قيل لجارية أنت... (ا.: ۳۹۳؛ ش ۱۷)

(ابوحيان توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۶۹؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۲)

۴-۱-۳. وقال بعضهم: كان موسى فضوليا... (ا.: ۳۹۵؛ ش ۲۹)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۷۱)

۴-۱-۴. عض ثعلب أعرابياً... (ا.: ۳۹۶؛ ش ۳۶)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۳۰۸؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۳۸۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴)

۴-۱-۵. أجريت خيل فطلع منها فرس... (ا.: ۳۹۶؛ ش ۳۸)

(ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸، ج ۲: ۵۷؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۱۹۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۷۷)

۴-۱-۶. سافر أعرابي فرجع خائبا... (ا.: ۳۹۹؛ ش ۵۷)

(ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۸: ۱۴۷؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۲؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۴۰۳)

۴-۱-۷. قال رجل لغلامه: هات الطعام... (ا.: ۴۰۰؛ ش ۶۸)

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۲: ۱۹۸، این حکایت را از جاحظ نقل کرده است؛ (آبی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۹۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۷۶۴؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۷۲؛ وطواط، ۱۴۲۹، ج ۱: ۳۸۳؛ نویری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۳۲۳؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۸۳)^(۳).

حلبی (۱۳۸۴: ۲۶۵) منبع حکایت را البخلاء جاحظ و محاضرات الأدباء راغب اصفهانی دانسته است.

۴-۱-۸. قال ثقيل لمريض: ما تشتهي... (ا: ۴۰۱؛ ش ۶۹)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۳۵/۲؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۳۴۵)

۴-۱-۹. تزوج رجل امرأة فولدت في اليوم الخامس... (ا: ۴۰۲؛ ش ۸۴)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۴: ۲۲۵؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۰۸؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۳۰۱)

۴-۱-۱۰. سأل رجل الشعبي عن المسح... (ا: ۴۰۴؛ ش ۹۳)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۰۵؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۳۶۸؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۶۶؛ ابن جوزی،

۱۹۹۷، ج ۱: ۶۲؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۰۲)

۵. حکایات مشابه با اختلاف يك لفظ (نسخه محجوب):

۵-۱. قال ابن الرومي قد افلح... (م: ۲۵۹؛ ش ۱۹)

(ثعالبی، ۱۳۰۹: ۹۲)

۵-۲. وسرق خرج شخص... (م: ۲۶۰؛ ش ۲۷)؛ (ا: ۴۰۷؛ ش ۱۱۴)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۱۸۲؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۶۰) حکایت عربی، کلمه ثياب و اسباب را آورده است.

۵-۳. سئل بحطه عن دعوة حضرها... (م: ۲۶۰؛ ش ۲۹)

(ثعالبی، بی تا، الف: ۱۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۴۱۹؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۰۹؛ ابن

جوزی، ۱۹۹۷: ۹۸) همگی این منابع، حکایت مذکور را از جحظه برمکی نقل کرده‌اند؛ اماسی (۱۴۲۳:

۲۸۵) به نام جحظه اشاره نکرده است.

۵-۴. قيل لعمر بن حسن في علقته... (م: ۲۶۱؛ ش ۳۹)

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۱: ۱۹۸) حکایت را در مورد نظام نقل کرده است.

۵-۵. غاضبت امرأة زوجها... (م: ۲۶۲؛ ش ۵۲)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۴: ۱۸۹)

۵-۶. قال الحکیم السماع... (م.: ۲۶۵؛ ش ۸۲)

(حصری، بی تا، ج ۳: ۶۶۸؛ تیفاشی، ۱۹۸۰: ۱۶)

۵-۱. حکایات مشابه با اختلاف یک لفظ (نسخه اتابکی):

۵-۱-۱. أن الشیخ بدر الدین الصاحب لقی شخصاً... (ا.: ۳۹۶؛ ش ۳۵)

(ابن حجه حموی، بی تا، ج ۱: ۴۱)

۵-۱-۲. أجزیت خیل قطع منها فرس... (ا.: ۳۹۶؛ ش ۳۸)

(ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸، ج ۲: ۵۷؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۱۹۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۷۷)

۵-۱-۳. اعترض رجل جاریة رقاصه... (ا.: ۳۹۸؛ ش ۵۳)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۸۲۳؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۷۸؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۰۳)

۵-۱-۴. وقیل لاعرابی ما یسمون المرق... (ا.: ۳۹۹؛ ش ۵۶)

(جاحظ، ۱۴۲۳، ج ۳: ۲۴۹؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸، ج ۳: ۲۴۹؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۳۱۲؛ ابن حمدون،

۱۴۱۷، ج ۹: ۱۳۰؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۳۵)^(۴).

۵-۱-۵. قیل لبعض الصوفیة: بع جبتک... (ا.: ۴۰۱؛ ش ۷۴)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۳۰؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۰۵؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۳۰۲؛ اماسی، ۱۴۲۳:

۱۱۶؛ عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۱).

۶. مضامین کاملاً مشابه با اختلاف در الفاظ (نسخه محجوب)

۶-۱. ودخل تقیل علی مریض... (م.: ۲۵۸؛ ش ۲)؛ (ا.: ۴۰۰؛ ش ۶۳)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۵۱۵)؛ اماسی (۱۴۲۳: ۲۳۱) با اندک اختلافی این حکایت را نقل کرده

است.

۶-۲. وقال بعضهم: رأیت رجلاً ومعه ابن لا یشبهه... (م.: ۲۵۸؛ ش ۳)؛ (ا.: ۳۹۱؛ ش ۳)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۵۹؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۱۹۵)

۶-۳. قیل لطفیلی أی العیدان... (م.: ۲۵۸؛ ش ۸)؛ (ا.: ۴۰۵؛ ش ۹۷)

(تعالی، بی تا، ه: ۱۰۹؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۲۵)

۶-۴. تصاحب قوم فی سفر و فیهم طفیلی... (م.: ۲۵۹؛ ش ۱۰)؛ (ا.: ۴۰۰؛ ش ۶۴)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۷۴)؛ خطیب بغدادی (۱۴۲۰: ۱۱۱) این حکایت را از محمد بن علی الجلاب نقل کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۷۹۸)

حلی (۱۳۸۴: ۲۶۴) ریشه حکایت را در محاضرات الأدباء راغب اصفهانی دانسته است.

۶-۵. قال الثعالبی إذا رأیت... (م.: ۲۵۹؛ ش ۱۲)

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۱۵۴) این حکایت را از کتاب نوادر نقل کرده است. ابشیهی (۱۴۱۹: ۳۳۷) و اماسی (۱۴۲۳: ۹۹) بدون ذکر گوینده.

۶-۶. كان المزید يوماً علی باب مسجد... (م.: ۲۵۹؛ ش ۱۳)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۰۷)

آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۶۱) این حکایت را در مورد فردی غیر از مزید نقل کرده است. اماسی (۱۴۲۳: ۲۸) بدون ذکر گوینده.

۶-۷. قال الحکیم الصاحی... (م.: ۱۵۹؛ ش ۱۴)؛ (ا.: ۴۰۷؛ ش ۱۱۵)

(ثعالبی، بی تا، د: ۴۲)؛ (حصری، بی تا، ج ۲: ۵۰۱)؛ (اماسی، ۱۴۲۳: ۳۱۴)

۶-۸. حضر ابوالعیناء مائدة... (م.: ۲۵۹؛ ش ۱۷)؛ (ا.: ۳۹۲؛ ش ۹)

آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۵۲) این حکایت را در مورد هدیه دادن فالوده به اسماعیل اعرج آورده و با تفصیل بیشتری نقل کرده است. راغب اصفهانی (۱۴۲۰، ج ۱: ۵۰۰) حکایت را در مورد هدیه دادن فالوده، به اسماعیل طالبی نقل کرده است.

۶-۹. وكان أبو هريرة إذا استنقل انساناً... (م.: ۲۵۹ و ۲۶۰؛ ش ۲۰)؛ (ا.: ۴۰۵؛ ش ۹۸)

(ابن قتیبہ دینوری، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۲۷)؛ ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۵۳)؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۵؛

وطواط، ۱۴۲۹: ۵۷۶؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۳۴۵) همه منابع یاد شده به ذکر این عبارت بسنده کرده‌اند: «وكان

أبو هريرة إذا استنقل رجلاً قال: اللهم اغفر له وأرحنا منه»؛ ولی ثعالبی (بی تا، ج: ۶۵) حکایت را این

گونه نقل کرده است: «وذكر إنساناً ثقیلاً فقال: هو أثقل من يوم السبت على الصبيان.»

۶-۱۰. وقع رجل علی بايع بطینخ... (م.: ۲۶۰؛ ش ۲۲)؛ (ا.: ۴۰۵؛ ش ۱۰۰)

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۴۳) و آبی (۱۴۲۴، ج ۷: ۱۷۱) با تغییرات اندکی در الفاظ، به این حکایت اشاره کرده‌اند.

۶-۱۱. وكل غناء خرج... (م.: ۲۶۰؛ ش ۲۸)

- (زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۲۹؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۸۵)
- ۶-۱۲. جاء متنبی إلى مأمون وعنده يحيى... (م.: ۲۶۱؛ ش ۳۲)
- آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۵۸) حکایت را به صورت مختصر بیان کرده است.
- ۶-۱۳. أتى الرشيد بأسود... (م.: ۲۶۱؛ ش ۳۳)؛ (ا.: ۴۰۵؛ ش ۱۰۱)
- (ابن جوزی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۱۰۶)؛ اماسی (۱۴۲۳: ۱۹۷) این حکایت را در مورد آوردن مردی سیاه پوست به نزد مأمون نقل می کند که ادعای پیامبری می کند و خود را موسی معرفی می کند.
- ۶-۱۴. أتى المعتصم برجل يزعم... (م.: ۲۶۱؛ ش ۳۵)؛ (ا.: ۴۰۰؛ ش ۶۵)
- (ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۴۲؛ نویری، ۱۴۲۳، ج ۴: ۱۵)
- ۶-۱۵. جلس أنوشروان للمظالم... (م.: ۲۶۱؛ ش ۳۶)؛ (ا.: ۳۹۱؛ ش ۱)
- (آبی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۳۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۱۱؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۳۷۱)
- حلبی (۱۳۸۴: ۲۶۲) منبع این حکایت را، کتاب *محاضرات الأدباء* راغب اصفهانی دانسته است.
- ۶-۱۶. أسلم مجوسی فقیل له کیف... (م.: ۲۶۱؛ ش ۳۷)
- عاملی (۱۴۱۸، ج ۲: ۳۰۶) حکایت را با اندک اختلافی در واژه ها نقل کرده است.
- ۶-۱۷. سقط رجل عن سطح وكسر رجلاه... (م.: ۲۶۱؛ ش ۳۸)؛ (ا.: ۳۹۸؛ ش ۵۱)
- ابن قتیبه دینوری (۱۴۱۸: ۳۵۵) با اختلاف اندکی آن را نقل کرده است. (اماسی، ۱۴۲۳: ۳۴۴)
- حلبی (۱۳۸۴: ۲۶۴) به حکایتی مشابه با آن در *العقد الفريد* اشاره کرده؛ ولی اصل حکایت را از عیون الأخبار ابن قتیبه دینوری دانسته است.
- ۶-۱۸. تقدّم رجل مع خصمه إلى الحاكم... (م.: ۲۶۲؛ ش ۴۳)؛ (ا.: ۴۰۵؛ ش ۱۰۳)
- (ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۴۱؛ نویری، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۷) حکایتی مشابه با این مضمون در این دو منبع دیده می شود.
- ۶-۱۹. قصد رجل باب سبويه... (م.: ۲۶۲؛ ش ۴۶)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۰۵)
- ابن حجه حموی (بی تا، ج ۱: ۴۰) این حکایت را در مورد حضور فقرا بر در خانه یک نحوی نقل کرده است. (اماسی، ۱۴۲۳: ۵۰)
- ۶-۲۰. خرج بعض الغزاة إلى بعض... (م.: ۲۶۲؛ ش ۵۱)

آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۲۰) با اندکی اختلاف به این حکایت اشاره کرده است.

۶-۲۱. قال بهلول رأیت رؤیا نصفها... (م.: ۲۶۲؛ ش ۵۳)

ابن قتیبه دینوری (۱۴۱۸، ج ۲: ۶۱)؛ ابو حیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۴۶)؛ آبی (۱۴۲۴، ج ۳: ۱۷۹) و ثعالبی، (بی تا، ب: ۲۴۲) همگی از داوود مصاب؛ راغب اصفهانی (۱۴۲۰، ج ۱: ۱۹۲) بدون گوینده؛ ابن عبد ربّه (۱۴۰۴، ج ۸: ۱۳۵) و ابن جوزی، (۱۹۹۷: ۶۹) از اشعب.^(۵)

امیدسالار (۱۳۶۶: ۲۳۶) منبع حکایت را ابن قتیبه دینوری، آبی و ابن جوزی دانسته است.

۶-۲۲. دخل اللصوص علی ابی بکر الربابی... (م.: ۲۶۳؛ ش ۵۵)

آبی (۱۴۲۴، ج ۷: ۱۸۳) به نام ابوبکر ربابی اشاره نکرده است. (اماسی، ۱۴۲۳: ۲۵۴)

۶-۲۳. قیل المزید نائم فی المسجد... (م.: ۲۶۳؛ ش ۵۶)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۰۷)

آبی (۱۴۲۴، ج ۳: ۱۶۱) و ابن حمدون (۱۴۱۷، ج ۹: ۴۳۸) حکایت را با اندک تفاوتی نقل کرده‌اند.

۶-۲۴. جاء رجل الی طیب... (م.: ۲۶۳؛ ش ۵۷)؛ (ا.: ۳۹۹؛ ش ۶۲)

آبی (۱۴۲۴، ج ۷: ۱۷۰) و ابن حمدون (۱۴۱۷، ج ۹: ۴۵۹) حکایت را به صورت زیر نقل کرده‌اند: «سألَ واحدٌ سيفويه عن حفظه القرآن فقال: أحفظه آية، قيل له: فما أول الدخان؟ قال: الحطب الرطب».

۶-۲۵. قال الرجل لاخر... (م.: ۲۶۳؛ ش ۶۰)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۱۰)

آبی (۱۴۲۴، ج ۴: ۲۰۱) این عبارت را در مورد سؤال از سیفویه نقل کرده است؛ (ابن جوزی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۱۳۷)^(۶).

۶-۲۶. سرق رجل ثوبا ثم حمله إلى السوق... (م.: ۲۶۳؛ ش ۶۴)؛ (ا.: ۴۰۰؛ ش ۶۷)

راغب اصفهانی (۱۴۲۰، ج ۲: ۲۱۲) این حکایت را در مورد دزدیده شدن یک الاغ نقل کرده است؛ ابن حمدون (۱۴۱۷، ج ۳: ۴۳)؛ زمخشری (۱۴۱۲، ج ۴: ۱۴۵)؛ ابشیهی (۱۴۱۹، ج ۱: ۲۱۹) و اماسی (۱۴۲۳: ۲۵۳) حکایت را با اندک تفاوتی نقل کرده‌اند.^(۷)

۶-۲۷. خرج جحی مرة إلى الكناسة... (م.: ۲۶؛ ش ۶۶)؛ (ا.: ۳۹۲؛ ش ۱۰)

ابن حبیب نیشابوری (۱۴۰۵: ۹۸) حکایت را در مورد ابوجوالق نقل کرده است؛ آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۶۵) داستان را از ابوجوالیق نقل کرده است؛ راغب اصفهانی (۱۴۲۰، ج ۲: ۲۱۲)؛ ابن جوزی (۱۴۱۰: ۱۶۱) و اماسی (۱۴۲۳: ۲۵۴) آن را بدون گوینده آورده‌اند.

حلبی (۱۳۸۴: ۲۶۳) منبع این حکایت را فقط در *محاضرات الأدباء* راغب اصفهانی ذکر کرده است.

امیدسالار (۱۳۶۶: ۲۳۳) به تمامی منابع بالا اشاره کرده است.

۶-۲۸. *تزوج بعض المغان...* (م.: ۲۶۴؛ ش ۶۷)؛ (ا.: ۳۹۷؛ ش ۴۳) حکایت را با اندکی تغییر ذکر کرده است.

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۱۵۶) حکایت را در مورد کنیزک مزید؛ آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۱۱) آن را در مورد اعمش و اماسی (۱۴۲۳: ۳۰۰) داستان را در مورد خرید کنیز از سوی بعضی بزرگان نقل کرده‌اند.

۶-۲۹. *وقالت امرأة لزوجها...* (م.: ۲۶۴؛ ش ۶۸)؛ (ا.: ۳۹۳؛ ش ۲۰)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۵۸؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۳)

۶-۳۰. *كان لاسحق الموصلی غلام...* (م.: ۲۶۴؛ ش ۶۹)؛ (ا.: ۴۰۲؛ ش ۷۷)

(ابوحیان توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۶۸)؛ آبی (۱۴۲۴، ج ۵: ۲۳۱) این حکایت را از زبان فرزند اسحاق موصلی و با اندکی تفصیل بیشتر نقل کرده است؛ (زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۹۳)

۶-۳۱. *قیل بصفعان ما معنی الصفع...* (م.: ۲۶۴؛ ش ۷۱)

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۱۶۳) و راغب اصفهانی (۱۴۲۰، ج ۱: ۸۰۰) با تغییرات اندکی نقل کرده‌اند.

۶-۳۲. *صلی أطروش خلف الامام...* (م.: ۲۶۴؛ ش ۷۳)؛ (ا.: ۴۰۲؛ ش ۷۹ با اندکی تغییر)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۳۵۸)؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۱۶)

۶-۳۳. *نظر رجل قبیح الوجه، المرأة...* (م.: ۲۶۴؛ ش ۷۵)؛ (ا.: ۴۰۲؛ ش ۸۱)

ابن حمدون (۱۴۱۷، ج ۳: ۸۵)؛ زمخشری (۱۴۱۲، ج ۲: ۱۹۱)؛ وطواط (۱۴۲۹، ج ۱: ۲۴۲) و اماسی (۱۴۲۳: ۳۶۹) این حکایت را در مورد جاحظ نقل کرده‌اند^(۸).

۶-۳۴. *نظر رجل فی الطریق إلى امرأة...* (م.: ۲۶۵؛ ش ۷۷)؛ (ا.: ۳۹۵؛ ش ۳۳)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۲۳)

۶-۳۵. *كانت امرأة مات لها زوجان...* (م.: ۲۶۵؛ ش ۷۸)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۴۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۲۴۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۰۷) این حکایت با اندک تفاوتی در منابع عربی ذکر شده است.

حلی (۱۳۸۴: ۲۹۲) منبع حکایت را محاضرات الأدباء راغب اصفهانی ذکر کرده است.

۳۶-۶. وَ مَرَّتْ امْرَأَةٌ جَمَلِيَّةً بِالْيَعْقُوبِيِّ ... (م.: ۲۶۵؛ ش ۸۳)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۶۳)

۳۷-۶. قِيلَ لِلْبَغْلِ: مَنْ أَبُوكَ ... (م.: ۲۶۵؛ ش ۸۴)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۱۲)

(مبرد، ۱۴۱۷، ج ۲: ۹۴)؛ ابن عبد ربّه (۱۴۰۴، ج ۷: ۱۴۱) سؤال را این گونه پاسخ می دهد: «أمی

الفرس»؛ (عسکری، بی تا: ۱۰۰/۲؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۲۸۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۴۲)؛ راغب اصفهانی

(۱۴۲۰، ج ۱: ۹۴) سؤال را این گونه پاسخ می دهد: «أمی الفرس»؛ (میدانی، بی تا، ج ۲: ۱۱۰)؛ (اماسی،

۱۴۲۳: ۱۶۷)

۳۸-۶. قَالَ رَجُلٌ لِحِجَّاجِ بْنِ يُوْسُفَ رَأَيْتَكَ ... (م.: ۲۶۰؛ ش ۲۶)

ابوحنّان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۸۸)؛ ابن حمدون (۱۴۱۷، ج ۳: ۱۸۸)؛ زمخشری (۱۴۱۲، ج ۳: ۳۰۸) و

اماسی (۱۴۲۳: ۳۹۶) همگی این حکایت را در مورد خواب دیدن عامر بن بهدله در مورد فردی که

حجاج از روی ظلم او را به دار آویخته بود، نقل کرده اند؛ عاملی (۱۴۱۸، ج ۱: ۳۱۱) آن را در مورد

خواب دیدن یک صوفی آورده است.

۱-۶. مَضَامِينٌ كَامِلًا مِثَابَهُ بِأَخْتِلَافٍ فِي الْفَافِ (نسخة انا بکی):

۱-۶-۱. قِيلَ لِعِبَادَةِ: مَا وَرَثْتَ اخْتِكَ ... (ا.: ۳۹۳؛ ش ۱۵)

آبی (۱۴۲۴، ج ۳: ۱۶۰) و ابن حمدون (۱۴۱۷، ج ۹: ۴۱۱) این حکایت را در مورد سؤال فردی از

مزبد نقل کرده اند؛ زمخشری (۱۴۱۲، ج ۵: ۱۳۰) این حکایت را در مورد سؤال از مردی نقل کرده

است. (اماسی، ۱۴۲۳: ۱۹۵)

۱-۶-۲. قَالَتْ امْرَأَةٌ مَزْبِدٌ حَبْلِي ... (ا.: ۳۹۳؛ ش ۱۸)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۵۹)؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۴۰؛ نویری، ۱۴۲۳، ج ۴: ۲۴)

۱-۶-۳. رَأَى رَجُلًا مَعَ جَارِيَتِهِ ... (ا.: ۳۹۳؛ ش ۱۹)

(ابن حجه حموی، بی تا، ج ۱: ۱۷۲)

۶-۱-۴. قیل لرجل کانت امرأته... (ا: ۳۹۴؛ ش ۲۱)

ابن قتیبه دینوری (۱۴۱۸، ج ۴: ۵۰) با اندکی تغییر حکایت را ذکر کرده است؛ (ابوحیان توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۹۸؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۴۹؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۲۹؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۵: ۲۳۷؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۷).

۶-۱-۵. أدخل الجماز... (ا: ۳۹۴؛ ش ۲۲)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۷۱؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۳۷؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۹)

۶-۱-۶. وقال قاص: يا قوم اشكروا... (ا: ۳۹۴؛ ش ۲۷)

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۷۱)

۶-۱-۷. قال رجل لامرأة... (ا: ۳۹۶؛ ش ۴۱)

(ابوحیان توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۲۷؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۳۴۸؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۳۰۲)^(۹)

۶-۱-۸. وتزوج رجل بامرأة... (ا: ۳۹۷؛ ش ۴۶)

(آبی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۳۵۶؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۹: ۴۳۲)

۶-۱-۹. قال بعضهم: رأيت أبا نواس يضحك من سكران... (ا: ۳۹۸؛ ش ۴۸)

آبی (۱۴۲۴، ج ۶: ۳۳۴) داستان را با اندک تفاوتی نقل کرده است.

۶-۱-۱۰. روی أبانواس وفي يده كأس... (ا: ۳۹۸؛ ش ۴۹)

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۱۴۱) آن را با اندکی تفاوت نقل کرده است.

امیدسالار (۱۳۶۶: ۲۳۳) منبع حکایت را از کتاب قطب السورور فی أوصاف الخمرور رقیق قیروانی نقل کرده است.

۶-۱-۱۱. اعتلت امرأة وقالت لزوجها... (ا: ۳۹۸؛ ش ۵۵)

ابوحیان توحیدی (۱۴۰۸، ج ۴: ۱۱۰)؛ آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۴۸) و زمخشری (۱۴۱۲، ج ۵: ۱۲۸) این حکایت را در مورد زن ابن مضاء رازی نقل کرده‌اند.

۶-۱-۱۲. شکی رجل إلى ابی العیناء امرأته... (ا: ۳۹۹؛ ش ۵۸)

(ابوحیان توحیدی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۱۹۸؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۸۹؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۵۰؛ ابن جوزی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۱۲۹)

- ۶-۱-۱۳. وقال أبو العیناء: رأیت جاریة... (ا.: ۳۹۹؛ ش ۶۱)
- (ابن حجه حموی، بی تا، ج ۲: ۲۲۶؛ ابشیهی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۶۶)
- ۶-۱-۱۴. قیل لرجل ما بقی... (ا.: ۴۰۱؛ ش ۷۱)
- آبی (۱۴۲۴، ج ۲: ۱۵۲) با اندک تفاوتی نقل کرده است.
- ۶-۱-۱۵. قالت امرأة فلان... (ا.: ۴۰۱؛ ش ۷۲)
- آبی (۱۴۲۴، ج ۴: ۱۹۳) با اندک تفاوتی نقل کرده است.
- ۶-۱-۱۶. سأل رجل عن بعض الاطباء... (ا.: ۴۰۱؛ ش ۷۳)
- جاحظ (۱۴۲۳: ۳۱)؛ ابن قتیبه دینوری (۱۴۱۸، ج ۲: ۱۷۸)؛ ابن عبد ربّه (۱۴۰۴، ج ۲: ۳۱۷) و آبی، (۱۴۲۴، ج ۷: ۲۱۱) همگی، حکایت را در مورد سؤال ابوعلقمه از طیب نقل کرده‌اند؛ اماسی (۱۴۲۳: ۳۲۸) آن را در مورد سوال مردی از پزشک نقل کرده است.
- ۶-۱-۱۷. حج اعرابی، فدخل مكة... (ا.: ۴۰۲؛ ش ۸۲)
- ابن جوزی (۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۲) به حکایتی مشابه اشاره کرده است.
- ۶-۱-۱۸. مرّ رجل بإمام یصلی بقوم... (ا.: ۴۰۲؛ ش ۸۳)
- ابن جوزی (۱۴۱۰، ج ۱: ۱۱۹) این حکایت را از محمد بن خلف نقل کرده است.
- حلبی (۱۳۸۴: ۲۶۵) حکایت را از راغب اصفهانی نقل کرده است.
- ۶-۱-۱۹. قال ابو زید: بقیت لا أجد... (ا.: ۴۰۳؛ ش ۸۵)
- (جاحظ، ۱۴۱۸، ج ۱: ۹۰؛ همان، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۲۲)
- ۶-۱-۲۰. خرج الرشید إلى البساطین... (ا.: ۴۰۳؛ ش ۸۶)
- (ابن جوزی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۸۱؛ دمیری، ۱۴۲۴، ج ۱: ۳۵۳؛ ابن حجه حموی، بی تا، ج ۱: ۱۵۲؛ ابشیهی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۷۳؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۳۲۷)
- ۶-۱-۲۱. خطب رجل عظیم الأنف... (ا.: ۴۰۳؛ ش ۸۷)
- آبی (۱۴۲۴، ج ۴: ۴۲) با اندکی تفاوتی نقل کرده است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۰۹؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۹۶؛ ابشیهی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۷۵؛ اماسی، ۱۴۲۳: ۳۷۰).
- حلبی (۱۳۸۴: ۲۶۶) منبع حکایت را محاضرات الأدباء راغب اصفهانی دانسته است.

۶-۱-۲۲. علامه الحاق المجدی... (ا: ۴۰۳؛ ش ۹۰).

جاحظ (۱۴۲۳، ج ۲: ۱۷۴) و آبی (۱۴۲۴، ج ۴: ۱۲۹) به حکایتی مشابه با این مضمون اشاره کرده‌اند؛ (اماسی، ۱۴۲۳: ۳۴۵).

۷. تأثیرپذیری اماسی از عبید:

از میان حکایاتی که در دو نسخهٔ محبوب و اتابکی وجود دارد، حکایاتی دیده می‌شود که منابع پیش از عبید به آنها اشاره نکرده‌اند؛ بلکه این حکایات به صورت کاملاً مشابه با حکایات عبید در کتاب *روض الأخیار* اماسی (متوفی ۹۴۰) دیده می‌شود و می‌توان احتمال داد که اماسی، این حکایات را از عبید نقل کرده است. این مسئله زمانی قوت می‌گیرد که شخصیت اصلی حکایت شماره ۶-۲۲، فردی به نام «ابوبکر ربابی» است و این شخصیت در ادبیات فارسی پیش از روزگار عبید شهرت فراوانی داشته است (حلبی، ۱۳۸۴: ۱۱۱). همچنین سیدی دشت طوس معتقد است، عبید با دو شخصیت نیمه‌واقعی و نیمه‌افسانه‌ای ادبیات فارسی، یعنی ابوبکر ربابی و جوحی، بازی سخت هنرمندانه و خلاق کرده است. وی این دو شخصیت همزاد و فسونگر را که تا زمان عبید نامشان اغلب در کنار هم و منسوب به دربار یا زمان سلطان محمود می‌آمده است، ابتدا از هم جدا کرده و بعد از دربار محمود رهایشان بخشیده و آنگاه به هر کدام شخصیتی ویژه داده است. (سیدی دشت طوس، ۱۳۷۵: ۱۴۰)، اما حکایت ۶-۲۲ را آبی و اماسی نقل کرده‌اند که در این میان فقط اماسی به نام ابوبکر ربابی اشاره کرده است. این مسئله می‌تواند دلیلی برای تأثیرپذیری اماسی از عبید باشد.

۷-۱. *قیل لأعرابی: قد کبرت وأفنییت عمرک... (م: ۲۵۸؛ ش ۱)؛ (ا: ۳۹۱؛ ش ۲)*

(اماسی، ۱۴۲۳: ۴۱۷).

۷-۲. *قالت امرأة لزوجها... (م: ۲۵۸؛ ش ۵)؛ (ا: ۳۹۲؛ ش ۶)*

(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۰۳).

۷-۳. *قیل لرجل لم یخرج إلى الغزو... (م: ۲۵۹؛ ش ۱۶)؛ (ا: ۳۹۲؛ ش ۷)*

(اماسی، ۱۴۲۳: ۹۴).

حلبی (۱۳۸۴: ۲۶۲) حکایتی مشابه با این مضمون را در *العقد الفرید* معرفی کرده است.

۷-۴. *قیل لمجوسی: ما تفسیر «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ...» (م: ۲۶۰؛ ش ۲۳)؛ (ا: ۳۹۲؛ ش ۸)*

(اماسی، ۱۴۲۳: ۴۴۲).

- ۵-۷. قبیل لأعرابی: کیف أصبحت؟... (م.: ۲۶۰؛ ش ۲۴)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۳۳۵).
- ۶-۷. بنت عشرة لوزة مقسرة... (م.: ۲۶۱ و ۲۶۲؛ ش ۴۱)
اماسی (۱۴۲۳: ۲۹۶) داستان را با اختلاف اندکی ذکر کرده است.
- ۷-۷. مات مجوسی وعلیه دین... (م.: ۲۶۲؛ ش ۴۲)؛ (ا.: ۴۰۵؛ ش ۱۰۲)
اماسی (۱۴۲۳: ۱۱۲) با اندک اختلافی آن را نقل کرده است.
- ۸-۷. التزوج أوله حلاوة... (م.: ۲۶۲؛ ش ۴۴)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۰۴)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۴).
- ۹-۷. لقي رجل رجلا على حمار... (م.: ۲۶۲؛ ش ۴۸)؛ (ا.: ۳۹۵؛ ش ۳۱)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۱۶۷).
- ۱۰-۷. قال ابوبكر الربابي دخل على لص... (م.: ۲۶۳؛ ش ۵۴)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۰۶)
اماسی (۱۴۲۳: ۱۳۰) این حکایت را در مورد فرد فقیری نقل کرده است.
- ۱۱-۷. قال أبو عثمان مررت يوما بمعلم... (م.: ۲۶۳؛ ش ۶۲)؛ (ا.: ۴۰۶؛ ش ۱۱۱)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۵۱).
- ۱۲-۷. سئل رجل من العرب عن حالة امرأته... (ا.: ۳۹۳؛ ش ۱۲)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۰).
- ۱۳-۷. كان معاوية معروفًا بالحلم فلم يغضبه أحد... (ا.: ۳۹۳؛ ش ۱۳)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۳۴۱).
- ۱۴-۷. خرج غلام من حمص إلى بغداد... (ا.: ۳۹۴؛ ش ۲۴)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۹).
- ۱۵-۷. قبيل لـ... فی رمضان... (ا.: ۳۹۴؛ ش ۲۵)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۹؛ عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۲۲).
- ۱۶-۷. كان أبو دلف متشيعا... (ا.: ۳۹۶؛ ش ۳۹)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۳۰۱).

۷-۱۷. قیل ل... السارق والزانی... (ا: ۳۹۷؛ ش ۴۴)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۹۸).

۷-۱۸. أكل اعرابی بخصم أصابع... (ا: ۳۹۸؛ ش ۵۰)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۷۳).^(۱۰)

۷-۱۹. طلب الرشید... (ا: ۳۹۸؛ ش ۵۲)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۲۰۰).

۷-۲۰. سأل رجل رجلا، فشمته... (ا: ۳۹۸؛ ش ۵۴)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۱۹۵).

۷-۲۱. قیل لأبی الحارث: أیولد... (ا: ۳۹۹؛ ش ۵۹)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۱۹۵).

۷-۲۲. جاءت امرأة إلى شریح... (ا: ۴۰۱؛ ش ۷۵)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۱۱۳).

۷-۲۳. عرضت للمامون جارية بارعة... (ا: ۴۰۳؛ ش ۸۸)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۶۵).

۷-۲۴. جاء رجل إلى یقال... (ا: ۴۰۳؛ ش ۸۹)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۳۲۳).

۷-۲۵. جاء رجل إلى إیاس بن معاویة... (ا: ۴۰۴؛ ش ۹۱)
(اماسی، ۱۴۲۳: ۱۹۷).

نتیجه گیری:

- عبید زاکانی در بیان حکایات خود از منابع عربی متأثر شده است. با بررسی حکایات او مشخص می‌شود که او تنها به نقل قول اکتفا نکرده، بلکه در تعداد فراوانی از حکایت‌هایش، الفاظ و واژه‌ها را تغییر داده و چه بسا از کلمات مترادف استفاده کرده است.

- نقل حکایات عبید در منابع متأخری چون اماسی، احتمال تأثیرگذاری عبید را بر ادب عربی تا حدودی تقویت می‌کند؛ به گونه‌ای که بیست و پنج حکایت عبید عیناً در کتاب روض الأخیار المنتخب من ربيع الأبرار اماسی آمده است و این حکایت در هیچ منبع دیگری ذکر نشده است.

– با مقایسه حکایات عربی رساله دلگشا از نسخه محبوب و اتابکی با منابع عربی، نتایج زیر به دست آمده است: پانزده حکایت به صورت کاملاً مشابه، یازده حکایت با مضامین مشابه و اختلاف در یک لفظ، پنجاه و نه حکایت با مضامین مشابه و اختلاف در الفاظ، در منابع عربی پیش از عید دیده شده است.

پی نوشت:

- (۱) (صفی، ۱۳۷۳، ۴۱۷؛ ذولفقاری، ۱۳۸۵: ۵۱۶؛ مارزلف، ۱۳۸۸: ۱۳۱)
- (۲) صفی (۱۳۷۳: ۳۲۹) به این حکایت اشاره کرده است.
- (۳) صفی (۱۳۷۳: ۳۹۵) به این حکایت اشاره کرده است.
- (۴) صفی (۱۳۷۳: ۱۵۲) به این حکایت اشاره کرده است.
- (۵) نک: (مارزلف، ۱۳۸۸: ۲۳۱)؛ صفی (۱۳۷۳: ۳۲۶) این حکایت را در مورد یک ظریف نقل کرده است.
- (۶) در منابع عربی به صورت زیر نقل شده است: «سَأَلَ وَاحِدٌ سَيْفِيهَ عَن حَفْظِهِ الْقُرْآنَ فَقَالَ: أَحْفَظُهُ آيَةً، قِيلَ لَهُ: فَمَا أَوَّلُ الدُّخَانِ؟ قَالَ: الْحَطَبُ الرَّطْبُ»
- (۷) صفی (۱۳۷۳: ۳۶۵) به این حکایت اشاره کرده است.
- (۸) صفی (۱۳۷۳: ۳۹۰) این حکایت را در مورد سؤال مردم از پسر خردسال جوچی نقل کرده است.
- (۹) صفی (۱۳۷۳: ۳۳۷) به این حکایت اشاره کرده است.
- (۱۰) صفی (۱۳۷۳: ۳۵۴) حکایت را در مورد طفیلی نقل کرده است.

منابع:

الآبی، منصور بن الحسین الرازی (۱۴۲۴)، نثر الدر فی المحاضرات، المحقق: خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت: دار الکتب العلمیة.

الأبشهی، شهاب الدین محمد (۱۴۱۹)، المستطرف فی کل فن مستطرف، بیروت: عالم الکتب.
ابن الجوزی، ابوالفرج (۱۹۹۷)، أخبار الطّرف والمتماجنین، المحقق: بسام عبد الوهاب الجانی، بیروت: دار ابن حزم.

----- (۱۴۱۰)، أخبار الحمقى والمغفلین، شرحه: عبدالأمیر مهنا، بیروت: دار الفكر اللبناني.

ابن الحمدون، محمد بن الحسن (۱۴۱۷)، التذکرة الحمدونیة، بیروت: دار صادر.
ابن حجة الحموی، تقی الدین أبوبکر (بی تا)، ثمرات الأوراق (مطبوع بهامش المستطرف فی کل فن مستطرف للشهاب الأبشهی)، مصر: مكتبة الجمهوریة العربیة.

- ابن حبیب النیسابوری، أبو القاسم (١٤٠٥)، عقلاء المجانین، تحقیق: خادم السنّة المطهّرة أبو هاجر محمد السّعيد بن بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیّة.
- ابن عبد ربّه، أبو عمر شهاب الدّین (١٤٠٤)، العقد الفرید، بیروت: دار الکتب العلمیّة.
- ابن قتیبة الدّینوری، أبو محمد (١٤١٨)، عیون الأخبار، بیروت: دار الکتب العلمیّة.
- ابو حیّان التوحیدی، علی بن محمد (١٤٠٨)، البصائر والذخائر، المحقّق: د/ وداد القاضي، بیروت: دار صادر.
- اتابکی، پرویز (١٣٨٤)، کلیات عبید زاکانی، تهران: زوار.
- الأماسی، محمد بن قاسم بن یعقوب محیی الدین (١٤٢٣)، روض الأخبار المنتخب من ربيع الأبرار، حلب: دار القلم العربی.
- امیدسالار، محمود (١٣٦٦)، «ملاحظاتی درباره لطائف عبید زاکانی در رساله دلگشا»، ایران نامه، شماره ٦، صص: ٢٢٨-٢٤٧.
- برون، ادوارد (١٣٣٩)، از سعدي تا جامي، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- التیفاشی، أبو العباس (١٩٨٠)، سرور النفس بمدارک الحواس الخمس، المحقّق: إحسان عباس، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر
- الثعالبی، ابومنصور (١٤٠١)، التمثیل والمحاورة، المحقّق: عبدالفتاح محمد الحلو، الدار العربیة للکتاب.
- (بی تا)، الإعجاز والإيجاز، القاهرة: مكتبة القرآن.
- (بی تا، الف)، اللطائف والظرائف، بیروت: دار المناهل.
- (بی تا، ب)، خاص الخاص، المحقّق: حسن الأمين، بیروت: دار مكتبة الحياة.
- (١٣٠٩، ج)، من غاب عنه المطرب، بیروت: المطبعة الأدبية.
- (بی تا، د)، سحر البلاغة وسر البراعة، تحقیق: عبدالسلام الحوفی، بیروت: دار الکتب العلمیّة.
- (١٤٢١)، الشکوی والعتاب وما وقع للخلان والأصحاب، د إلهام عبدالوهاب المفتی، المجلس الوطنی للثقافة والفنون والآداب.
- (بی تا، هـ)، ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، القاهرة: دار المعارف.
- الجاحظ، عمرو بن بحر (١٤٢٣)، البیان والتبیین، بیروت: دار ومکتبة الهلال.
- (١٤١٨)، البغال، بیروت: دار ومکتبة الهلال.

----- (۱۳۸۴)، رسائل الجاحظ، تحقیق و شرح: عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: مكتبة

الخانجی.

الحُصْرى، أبو إسحاق (بی تا)، زهر الآداب و ثمر الألباب، بیروت: دار الجیل.

حلبی، علی اصغر (۱۳۸۴)، زاکانی نامه، تهران: زوار.

----- (۱۳۸۶)، خواندنی های ادب فارسی، تهران: زوار.

الخطیب البغدادی، أبوبکر (۱۴۲۰)، التطفیل و حکایات الطفیلین و أخبارهم و نوادیر کلامهم و أشعارهم، بعناية:

بسام عبدالوهاب الجابی، الناشر: دار ابن حزم.

الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین (۱۴۲۰)، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، بیروت: شركة دار

الأرقم بن أبی الأرقم.

الزمخشري، ابوالقاسم (۱۴۱۲)، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، بیروت: مؤسسة الأعلمی.

سیدی دشت طوس، مهدی (۱۳۷۵)، عبید زاکانی لطیفه پرداز و طنزآور بزرگ ایران، گردآوری به کوشش:

بهروز صاحب اختیاری و حمید باقرزاده، تهران: اشکان.

صفا، ذبیح الله (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (جلد سوم، بخش دوم)، تهران: فردوس.

العاملی، محمد بن حسین بن عبدالصمد (۱۴۱۸)، الکشکول، بیروت: دار الکتب العلمیة.

العسکری، أبو هلال (بی تا)، جمهرة الأمثال، بیروت: دار الفکر.

مارزلف، اولریش (۱۳۸۸)، بهلول نامه، مقدمه و تحقیق: دکتر باقر قربانی زرین، تهران: نشر چشمه.

المبرد، أبو العباس (۱۴۱۷)، الكامل فی اللغة والأدب، المحقق: محمد ابوالفضل إبراهيم، القاهرة: دار الفكر العربی.

محبوب، محمدجعفر (۱۹۹۹)، کلیات عبید زاکانی، زیر نظر احسان یارشاطر، نیویورک: Bibliotheca Persica

Press

المیدانی، أبو الفضل أحمد بن محمد (بی تا)، مجمع الأمثال، المحقق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دار

المعرفة.

النویری، أحمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۳)، نهاية الأرب فی فنون الأدب، القاهرة: دار الکتب والوثائق القومية.

وامقی، ایرج (۱۳۷۵)، عبید زاکانی لطیفه پرداز و طنزآور بزرگ ایران، گردآوری به کوشش: بهروز صاحب

اختیاری و حمید باقرزاده، تهران: اشکان.

الوطواط، أبو إسحق برهان الدین محمد (١٤٢٩)، غرر الخصاص الواضحة وعرر النقائص الفاضحة، بیروت: دار
الکتب العلمیة.

یوسفی، غلامحسین (١٣٨٤)، دیداری با اهل قلم، تهران: انتشارات علمی.